

آفتاب شعر روسیه غروب کرد

(در رثای جوزف برادسکی)



بار اول در سال ۱۸۷۳ بود که پس از مرگ الکساندر پوشکین، روسیه یکدل و یکزبان فریاد کشید: «آفتاب شعر روسیه غروب کرد». اکنون با درگذشت جوزف برادسکی که صاحب نظران او را بزرگترین شاعر معاصر روسیه می خوانند، کسوف مجددی رخ داده است.

جوزف الکساندر ویچ برادسکی، شاعر، منتقد و مترجم، در ۲۷ ماه مه ۱۹۴۰ در لنینگراد متولد شد و چند ماه پیش، در ۵۵ سالگی، در پی یک حمله قلبی، در شهر نیویورک درگذشت. او از پانزده، شانزده سالگی و پس از ترک تحصیل شعر می سرود و از همان نوجوانی با مقامات شوروی سابق اختلاف و درگیری داشت تا اینکه در اواسط دهه ۶۰ محکوم شد و چند سال از عمرش را در اردوگاههای کار اجباری در جنوب کشور سپری کرد. برادسکی در سال ۱۹۷۲ سرانجام از شوروی اخراج شد و به آمریکا رفت و به عنوان «شاعر مُقیم» در دانشگاه میشیگان ساکن شد.

برادسکی تا سال ۱۹۸۷ در شوروی سابق ممنوع القلم بود ولی وقتی در همین سال به عنوان یکی از جوانترین شاعران و نویسندگان جهان جایزه ادبی نوبل را دریافت کرد، چهار شعر از مجموعه آثارش در شوروی منتشر شد. بهمین مناسبت در مصاحبه ای در همان سال گفت: «چقدر خوشحالم که اکنون مردم کشورم می توانند ولو بخش کوچکی از اشعار مرا بخوانند. تمام تلاشم همه عمر به منظور این هدف بود.»

پس از «کلاسوست» به رهبری میخائیل گورباچف، برادسکی که از تغییرات در حکومت خیلی

خوشنود شد، گفت: «سرورم که حکومتی که مرا «نیمه انگل ادبی» خوانده بود و نبوغ مرا با سه سال زندان و دو سال تیمارستان پاداش داده بود دیگر بر کشورم حاکم نیست. آینده‌ای بس متفاوت برای روسیه پیش‌بینی می‌کنم.»

ایگور یفیموف، رمان‌نویس، ناشر و دوست دیرینه‌ی برادسکی می‌گوید: «احساسات برادسکی نسبت به روسیه از زمان سقوط رژیم کمونیست این کشور در سال ۱۹۹۱ دگرگون شده بود. او دیگر احساس شرم نسبت به کشورش نمی‌کرد.»

پیکر برادسکی به کشورش بازگردانده شد و در زادگاهش سن پترزبورگ (لنینگراد سابق) به خاک سپرده شد. دوستان و تحسین‌کنندگان وی در مراسم تدفین شرکت داشتند می‌گویند همه می‌دانستند که او هرگز زنده به کشورش باز نخواهد گشت، اما همواره از او به عنوان یک شاعر روسی یاد کرده‌اند. برادسکی به زبانهای روسی و انگلیسی شعر می‌سرود و به گفته‌ی «آخمدولینا» یکی از شاعران معاصر روسیه، «او بزرگترین شاعر عصر ما بود و نظریات اخلاقی و تخیلات زیبای او تا ابد در ذهن مردم باقی خواهد ماند.»

در سالهای اخیر، برادسکی با انتشارات ارمیتاژ در روسیه همکاری داشت و آثار شاعران جوان و ناشناخته‌ی روس را مطالعه و برای چاپ آماده می‌کرد.

ویژگی اشعار برادسکی که در کتابهای «گزیده‌ی اشعار» (۱۹۷۳) و «کمتر از یک» (۱۹۷۸) به خوبی مشهود است، عمق تفکر فلسفی، تسلط بر زبان، سختگیری و دقت بسیار در قالب شعری همراه با طنز و غنای شاعرانه است.

علاوه بر جایزه‌ی ادبی نوبل که اعضای آکادمی سوئد تأکید کردند تصمیمشان بر مبنای شایستگی برادسکی بوده است و نه اقتضای مسائل سیاسی، او موفق به کسب جایزه‌های ادبی دیگری مانند جایزه‌ی ملک آرتور در سال ۱۹۸۱ و جایزه‌ی ملی کتاب در سال ۱۹۸۶ گردید و از دانشگاه اکسفورد نیز به درجه‌ی دکترای افتخاری نائل شد.

سولژیتسین که از شمار تحسین‌کنندگان و علاقمندان شعر جوزف برادسکی است، تصمیم دارد کتابی در باره‌ی زندگی و آثار این شاعر که او را «یکی از بزرگترین شاعران تاریخ» نامیده‌اند، بنویسد.